

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

بررسی جریان سیره و حجیت خبر واحد در امور مهمه و غیر مهمه

مطلب دومی که در مورد سیره عقلائیه در کلمات بحث نشده و ما می‌خواهیم عنوان کنیم، این است: ما که سیره عقلائیه را به عنوان دلیل برای حجیت خبر واحد پذیرفتیم، آیا به امور متعارف و غیر مهمه منحصر است؛ یا این که دایره سیره عقلائیه در حجیت خبر واحد اختصاص به امور غیر مهمه ندارد و در امور مهمه نیز جریان پیدا می‌کند؟ به این بحث در ده ساله‌ی اخیر در برخی کلمات تفوه شده است و آثار مهمی دارد؛ حتی به برخی از بزرگان از مراجع گذشته نیز نسبت داده شده است که ایشان نیز قائل است سیره عقلائیه فقط در امور متعارف و غیر مهمه حجّت است بر خبر واحد. اگر گفتیم سیره عقلائیه بر حجیت خبر واحد در امور غیر مهمه است، لازمه‌اش این است که خبر واحد در امور مهمی مثل باب قتل و حدود نتوانیم به خبر واحد استدلال کنیم. مثلاً در مسأله‌ی ارتداد، روایتی که دلالت دارد مرتد باید کشته شود، یک خبر واحد است؛ و اگر گفتیم سیره عقلائیه خبر واحد در امور معمولی و متعارف بین مردم جاری و حجّت می‌دانند، دیگر در بحث ارتداد نمی‌توان به این خبر واحد عمل و استدلال کرد. حالا ما تحقیق در مطلب را عرض می‌کنیم؛ البته آقایان دقت کنند که هم مطلب مهمی است و هم در جایی مذکور نیست که مراجعه کنید. دیروز عرض کردیم که در مسأله‌ی سیره عقلائیه دو مبنا در مانحن فیه هست. کسانی که سیره عقلائیه را دلیل برای حجیت خبر واحد قرار می‌دهند، مبنا‌ی اول این است که عقلاً چون از خبر واحد وثوق و اطمینان پیدا می‌کنند، به آن عمل می‌کنند. و مبنا‌ی دوم این است که سیره را تعبّدی بدانیم؛ یعنی سیره بر این است که در امور جاری خودشان به خبر واحد عمل می‌کنند. بر طبق مبنا‌ی اول، وجهی ندارد که بین امور مهمه و غیر مهمه فرق بگذاریم. اگر گفتیم که عقلاً به خاطر وثوق و اطمینان به خبر واحد عمل می‌کنند، چه وجهی دارد که بین امور مهمه و غیر مهمه فرق قائل شویم؟

بلکه در هر جا که ملاک بود باید به خبر واحد عمل شود؛ چه مهم باشد و چه غیر مهم. انما الکلام روی مبنا‌ی دوم است. اگر گفتیم که عمل عقلاً به ملاک وثوق و اطمینان نیست؛ عقلاً به خبر واحد عمل می‌کنند، چه مفید وثوق و اطمینان باشد و چه نباشد. در اینجا باید ببینیم که عقلاً واقعاً آیا بین امور مهمه و غیر مهمه فرق می‌گذارند؟ این بستگی دارد به این که طبق این مبنا، موجود بین عقلاً را تشخیص دهیم. اگر خبری آوردند که سیل آمد و یا زید آمد؛ آیا عقلاً در خبر واحد بین این دو فرق می‌گذارند یا این که نه، عقلاً خبر واحد موثق - چون فرض این است که راوی موثق است - را قبول می‌کنند؛ و فرقی بین امور مهمه و غیر مهمه نمی‌گذارند؟ عقلاً چه فرقی بین این اخبار می‌گذارند که کسی بگوید «زید آمد»؛ یا «زید کشته شد» و یا «حاکم دستور داد که زید را باید کشت»؟ به نظر ما، اگر مقداری در اخبار رایج بین عقلاً دقت کنیم، عقلاً بین امور مهمه و غیر مهمه فرق نمی‌گذارند. پس، تا این‌جا سیره عقلائیه را چه به ملاک وثوق و اطمینان بگیریم و چه تعبّدی بدانیم، به نظر ما فرقی بین امور مهمه و غیر مهمه نیست. و سیره عقلاً بر حجیت خبر واحد موثق است؛ چه در امور مهمه و چه در امور غیر مهمه. نکته‌ی دوم این است که مایز بین امور مهمه و غیر مهمه چیست؟ به چه می‌زانی می‌توان گفت که فلان مطلب از امور مهمه هست یا نه؟ در مسائل رایج بین عقلاً، یک نفر خبر می‌آورد که «زید آمد»؛ اینجا آمدن و نیامدن زید خیلی مهم نیست؛ اما یک وقت می‌گویند

«زید کشته شد» یا «زید را باید کشت»؛ آثار کشته شدن این است که اموال او باید به ورثه برسد و زنش باید عده نگه دارد و به وصیت باید عمل شود و...؛ اما در جایی که گفته می‌شود «زید را باید کشت»، این یک حکمی است که باید جاری شود. آیا می‌توان گفت که خبر اول مهم نیست و دومی مهم است یا بالعکس؛ در اینجا چه ملاکی وجود دارد؟

عرض کردم که این بحث از باب ارتداد در ذهن آمده است که وقتی می‌گوییم مرتد باید به قتل برسد، یک خبر دلالت بر این دارد که «من خرج عن دینه فلیقتل»؛ و این خبر، خبر واحد است. در مسأله‌ی ارتداد بگوییم چون قتل مطرح است، نمی‌شود قتل را با خبر واحد ثابت کرد. ما این را از امور مهمه بدانیم؛ اما مسائل باب صلاة و معاملات را که مردم شبانه روز با آنها ارتباط دارند را بگوییم از امور غیر مهمه است؛ به چه ملاکی می‌توان این حرف را زد؟ به خصوص وقتی بیایم در دایره تشریع؛ زنا مهم‌تر است یا قتل؟ قتل عنوان احراق دم را دارد؛ شارع در باب زنا می‌آید چهار شاهد را مطرح می‌کند تا بر زانی حد زنا اجرا شود، اما در باب قتل به دو نفر اکتفا می‌کند. این را به چه ملاکی بگوییم؟ اگر ما به ذهن خودمان مراجعه کنیم، می‌گوییم قتل از زنا مهم‌تر است؛ اگر در زنا چهار شاهد لازم است، در قتل باید شش شاهد باشد. بنا بر این، نکته‌ی دومی که داریم این است که اصلاً ما در دایره‌ی تشریع یک مایز مهمی برای جداکردن امور مهمه از غیر مهمه نداریم. همه مهم است. روایتی که در باب صلاة، حج، معاملات هست با روایتی که در باب حدود و دیات است فرقی نمی‌کند. این اولاً؛ و ثانیاً، اگر کسی بخواهد این مینا را قائل شود و بگوید ما فقط در امور مهمه خبر واحد را حجت می‌دانیم؛ اکثر موارد دیات با خبر واحد ثابت می‌شود؛ بسیاری از موارد قصاص با خبر واحد ثابت می‌شود؛ بسیاری از احکامی که در باب حدود است با خبر واحد است؛ اگر بخواهیم بین امور مهمه و غیر مهمه فرق بگذاریم، لازمه‌اش این است که تمام یا اکثر باب جزائیات را کنار بگذاریم. این هم نکته‌ی دوم.

نکته‌ی سوم این است که تفصیل بین مهم و غیر مهم را که قول به فصل است در کلمات هیچ کس تا حالا نداشتیم. کسانی که منکر خبر واحد بودند، به طور کلی منکر هستند و کسانی که مثبت هستند، به طور کلی مثبت هستند. و قول به فصل بر خلاف اجماع مرکبی است که در اینجا وجود دارد. نکته‌ی چهارم این است که بر فرض همه‌ی این حرف‌ها را بپذیریم و بگوییم سیره‌ی عقلائی در امور مهمه است. اما ما که غیر از سیره برخی دیگر از ادله را نیز قبول کردیم؛ یا هر کس دیگری که برخی از ادله را قبول دارد؛ مثلاً در آیه نبأ - هرچند که ما دلالت آن را نپذیرفتیم - کسانی که دلالت آیه را پذیرفتند، آیه می‌گوید: **(إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهْلَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلَيْهِمْ مَا فَعَلْتُمْ نَدِمِينَ)** نبأ به معنای خبر عظیم است؛ کسانی که به این آیه استدلال می‌کنند، معنایش این است که اگر آورنده‌ی خبر عظیم عادل بود، تبیین لازم نیست. نبأ عظیم عنوان امر مهم را نیز دارد. اگر دلیل را آیه نفر قرار دادیم **(فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ)**، لینذروا قومهم، آیا یعنی در مسائل جزئی انذار کردند یا در همه مسائل دین؛ همه مسائل را شامل می‌شود؛ و حتی شامل اخبار در مسائل اعتقادی نیز می‌شود؛ یعنی اگر کسی گفت خدمت حضرت امام صادق(ع) بودم و ایشان در مورد معاد چنین گفت؛ باید آن را بپذیریم. آیه اختصاص به احکام فرعی ندارد. اما آنچه که در اینجا هست، «لینذروا» یعنی در آنچه تفقه کردند؛ می‌خواهد امور مهمه باشد یا غیر مهمه. و همچنین است در روایتی که مورد استدلال قرار گرفته است. کسانی که غیر از سیره به برخی دیگر از ادله استدلال کرده‌اند بر حجت خبر واحد، مقتضای این ادله آن است که فرقی بین امور مهمه و غیر مهمه نیست. شما این مطلب را دنبال کنید که اضافه بر آنچه که عرض کردیم، مطلبی هست یا نه؟ ان شاء الله بقیه مطالب برای فردا. و صلی الله علی سیدنا محمد وآله الطاهرين.